

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در نقض حق بر توسعه: بررسی حقوقی در پرتو پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها

حسین آل کجباف

دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

dr.alekajbaf@pnu.ac.ir

زهره باقری خرم‌دشتی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور مرکز تحصیلات تکمیلی، تهران، ایران.

zohreh.bagheriiii@gmail.com

#### چکیده

هدف: این مقاله به بررسی پیوند میان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و حق بر توسعه در چارچوب «پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها» (۲۰۰۱) می‌پردازد تا امکان احراز مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض این حق را مورد ارزیابی قرار دهد. روش: پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تحلیلی و تفسیری، از طریق مطالعه‌ی اسناد بین‌المللی (به ویژه اعلامیه‌ی ۱۹۸۶ حق بر توسعه، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی)، تحلیل مواد پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها، و بررسی دیدگاه‌های دکترین و رویه‌های قضایی مرتبط (مانند رأی کمیسیون آفریقایی در پرونده‌ی سرک علیه نیجریه و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده دیوار فلسطین)، به تبیین موضوع می‌پردازد. نتیجه: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حق بر توسعه دارای پیوندهای ساختاری با تعهدات الزام‌آور بین‌المللی از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم حقوق بشر) و حق بر تعیین سرنوشت است. این پیوندها امکان تفسیر نقض حق بر توسعه به‌مثابه «عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی» را تقویت می‌کند. با این حال، چالش‌های عملی جدی از جمله عدم تصویب معاهده‌ی الزام‌آور خاص، فقدان مرجع قضایی تخصصی، ابهام در سازوکارهای جبران خسارت، و مقاومت سیاسی کشورهای قدرتمند، مانع تحقق کامل این مسئولیت شده است. در نتیجه، گذار از امکان نظری به واقعیت عملی، مستلزم تقویت جایگاه هنجاری و نهادینه‌سازی حق بر توسعه در نظام بین‌المللی است. واژگان کلیدی: حق بر توسعه؛ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ کمیسیون حقوق بین‌الملل؛ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها؛ جبران خسارت بین‌المللی.

# International Responsibility of States for Violations of the Right to Development: A Legal Analysis in Light of the Draft Articles on State Responsibility

Hossein AleKajbaf

Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Zohreh Bagheri Khorramdashti (Corresponding Author)

PhD Student, Department of International Law, Payame Noor University (Postgraduate Center), Tehran, Iran.

## Abstract

**Objective:** This article examines the link between the international responsibility of states and the right to development within the framework of the "Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts" (2001), aiming to assess the feasibility of holding states accountable for violations of this right.

**Method:** Adopting an analytical and interpretative approach, this research investigates the topic through the study of international instruments (notably the 1986 Declaration on the Right to Development), analysis of the Draft Articles on State Responsibility, and a review of relevant doctrinal perspectives and jurisprudence (such as the African Commission's ruling in the SERAC v. Nigeria case).

**Findings and Conclusion:** The findings indicate that the right to development has structural linkages with binding international obligations, including economic, social and cultural rights (second-generation human rights) and the right to self-determination. These linkages strengthen the possibility of construing violations of the right to development as an "internationally wrongful act." However, significant practical challenges impede its realization, including the absence of a specific binding treaty, the lack of a competent judicial body, ambiguity regarding reparations mechanisms, and political resistance from powerful states. Consequently, transitioning from theoretical possibility to practical reality requires strengthening the normative status and institutionalization of the right to development.

**Keywords:** Right to Development; State Responsibility; ICESCR; Right to Self-Determination; International Law Commission; Draft Articles on State Responsibility; Reparation.

حق بر توسعه یکی از مفاهیم نسبتاً نوین در گفتمان حقوق بین‌الملل معاصر است که ارتباط مستقیمی با عدالت اقتصادی، خودتعیینی ملت‌ها و بهره‌مندی برابر از منابع جهانی دارد. این حق در دهه ۱۹۷۰ میلادی و در چارچوب جنبش کشورهای غیرمتعهد و مطالبات جنوب جهانی برای برقراری «نظم نوین اقتصادی بین‌المللی» مطرح شد، اما به‌صورت رسمی در اعلامیه حق بر توسعه (۱۹۸۶) مجمع عمومی سازمان ملل متحد تثبیت گردید.<sup>۱</sup>

حق بر توسعه در ماده ۱ این اعلامیه به‌عنوان «حق ذاتی هر انسان و همه ملت‌ها برای مشارکت، سهم‌بردن و بهره‌مندی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» تعریف شده است.<sup>۲</sup> این تعریف، ماهیت دوگانه‌ای به این حق می‌بخشد؛ از یک‌سو حقی فردی برای اشخاص انسانی، و از سوی دیگر حقی جمعی برای ملت‌ها محسوب می‌شود.

حق بر توسعه از ارکان جدایی‌ناپذیر حقوق بشر است؛ حق بر تعیین سرنوشت و حق بر توسعه از مهمترین مصادیق نسل سوم حقوق بشر به‌شمار می‌روند.<sup>۳</sup>

آنچه از منظر حقوقی حائز اهمیت است، پیوند ذاتی حق بر توسعه با حقوق بندرت شناخته شده‌تری است که تعهدات الزام‌آور بین‌المللی برای دولت‌ها ایجاد کرده‌اند. به‌ویژه، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مانند حق بر کار، حق بر بهداشت، حق بر آموزش و حق بر استاندارد مناسب زندگی) که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) برای دولت‌های عضو الزام‌آور شده‌اند، در عمل بستر تحقق حق بر توسعه را فراهم می‌آورند.<sup>۴</sup>

همچنین حق بر تعیین سرنوشت که به‌موجب ماده ۱ میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر دارای ماهیت عرفی و حتی آمره شناخته شده است، هسته مرکزی حق بر توسعه را تشکیل می‌دهد؛ زیرا بدون تعیین سرنوشت اقتصادی و سیاسی، تحقق توسعه به‌مثابه یک حق جمعی ممکن نیست. این مناسبات ساختاری به ما اجازه می‌دهد که نقض حق بر توسعه را نه در خلأ هنجاری، بلکه در پیوستار تعهدات الزام‌آور موجود تحلیل کنیم.

از منظر حقوق بین‌الملل، اجرای این حق متکی بر تعهدات دو سطحی است: تعهدات داخلی دولت‌ها در قبال شهروندان خود، و تعهدات جمعی دولت‌ها در سطح بین‌المللی برای همکاری و ایجاد شرایط مساعد توسعه.<sup>۵</sup> با این حال، چالش اساسی آن است که این تعهدات هنوز در قالب قواعد الزام‌آور معاهده‌ای نهادینه نشده‌اند و بیشتر جنبه «هنجاری» دارند.

از سوی دیگر، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱ پیش‌نویس نهایی خود را درباره «مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی» تصویب کرد که مجموعه‌ای از قواعد عرفی و اصولی را برای تعیین مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض تعهدات بین‌المللی مقرر می‌دارد.<sup>۶</sup> در نتیجه، پرسش اصلی این پژوهش آن

<sup>۱</sup> UN General Assembly, Declaration on the Right to Development, GA Res 41/128 (4 December 1986).

<sup>۲</sup> Ibid, art 1.

<sup>۳</sup> باقری خرم‌دشتی، زهره؛ شریفی طرازکوهی، حسین و فتح‌پور، فاطمه (۱۴۰۳) «نقش شورای حقوق بشر در ارتقای حق بر توسعه»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۷، شماره ۶۳، صفحات ۱۴۷-۱۶۹.

<sup>۴</sup> Manisuli Ssenyonjo, Economic, Social and Cultural Rights in International Law: Contemporary Issues and Challenges, 3rd ed. (Oxford: Oxford University Press, 2022), pp. 75-110, 387-410.

<sup>۵</sup> Arjun Sengupta, Report of the Independent Expert on the Right to Development, UN Doc E/CN.4/1999/WG.18/2 (1999).

<sup>۶</sup> International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, UN Doc A/56/10 (2001).

است که آیا نقض حق بر توسعه را می‌توان به‌عنوان «عمل متخلفانه بین‌المللی» در چارچوب پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها تفسیر کرد یا خیر.

اهمیت این پرسش در آن است که پاسخ مثبت به آن می‌تواند راه را برای مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال سیاست‌های اقتصادی، محیط‌زیستی و بین‌المللی که مانع تحقق توسعه انسانی در سایر کشورها یا در قلمرو خودشان می‌شود، هموار سازد.

بنابراین، مقاله حاضر ابتدا مبانی نظری و حقوقی حق بر توسعه را بررسی می‌کند (فصل اول)، سپس اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پرتو پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها را تحلیل می‌نماید (فصل دوم)، و در نهایت رابطه میان این دو حوزه و چالش‌های موجود در تحقق عملی آن را تبیین می‌سازد (فصل سوم).

۱. مبانی نظری و حقوقی حق بر توسعه

۱-۱. خاستگاه تاریخی و تحول مفهومی

مفهوم حق بر توسعه در پی تلاش کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به عدالت اقتصادی جهانی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پدیدار شد.<sup>۷</sup> مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های متعددی از جمله قطعنامه ۲۶۲۶ (اعلامیه همکاری اقتصادی بین‌المللی) و قطعنامه ۳۲۰۱ (منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها) بر ضرورت ایجاد نظام اقتصادی عادلانه‌تر تأکید کرد. این روند نهایتاً در سال ۱۹۸۶ با تصویب اعلامیه حق بر توسعه به اوج رسید.<sup>۸</sup>

اعلامیه مذکور ضمن تأکید بر نقش انسان به‌عنوان «فاعل و هدف توسعه»، بر همکاری بین‌المللی، مشارکت فعال و توزیع منصفانه منافع توسعه تأکید دارد.<sup>۹</sup>

۱-۲. ماهیت حقوقی حق بر توسعه

حق بر توسعه از دیدگاه حقوق بین‌الملل، یک «حق ترکیبی» محسوب می‌شود که هم بُعد فردی دارد (به‌مثابه حق هر انسان) و هم بُعد جمعی (به‌عنوان حق ملت‌ها).<sup>۱۰</sup> ماده ۲ اعلامیه، دولت‌ها را موظف می‌سازد سیاست‌های ملی و بین‌المللی خود را در جهت تحقق کامل این حق تنظیم کنند.<sup>۱۱</sup>

با این حال، تفسیر الزام‌آور بودن آن همواره محل مناقشه بوده است. منتقدان بر این باورند که اعلامیه فاقد ماهیت معاهده‌ای است و بنابراین ایجاد تعهد حقوقی سخت نمی‌کند. در مقابل، طرفداران معتقدند که عناصر محوری آن— از جمله اصل همکاری، برابری و حق مردم بر تعیین سرنوشت اقتصادی خود—از قواعد عرفی یا حتی آمره‌ی حقوق بین‌الملل<sup>۱۲</sup> سرچشمه می‌گیرند.<sup>۱۳</sup>

<sup>7</sup> UNGA, Declaration on the Establishment of a New International Economic Order, GA Res 3201 (S-VI) (1 May 1974).

<sup>8</sup> UNGA Res 41/128 (n 1).

<sup>9</sup> Ibid, art 2–3.

<sup>10</sup> Koen de Feyter, *The Right to Development and Human Rights in Development* (Intersentia 2013) 45–50.

<sup>11</sup> Declaration (n 1) art 2.

<sup>12</sup> jus cogens

<sup>13</sup> Stephen Marks, 'The Human Right to Development: Between Rhetoric and Reality' (2004) 17 *Harvard Human Rights Journal* 137.

اگرچه اعلامیه حق بر توسعه ۱۹۸۶ از حیث شکلی سندی الزام‌آور محسوب نمی‌شود، اما بسیاری از مؤلفه‌های آن با تعهدات مندرج در اسناد الزام‌آور حقوق بشری، به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ارتباط یافته و از این رهگذر واجد آثار حقوقی شده‌اند.<sup>۱۴</sup>

از این رو، برخی نویسندگان حق بر توسعه را نه صرفاً یک اصل اعلامی، بلکه «هنجاری در حال تکوین» در حقوق بین‌الملل تلقی می‌کنند که در برخی ابعاد، امکان تحلیل آن در قالب قواعد عرفی نیز مطرح شده است.<sup>۱۵</sup>

۱-۳. مناسبات حق بر توسعه با حقوق بشر نسل دوم

در پی تلاش‌های جامعه بین‌المللی در جهت حمایت از حقوق بشر، عوامل تأثیرگذار در تحقق حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفتند.<sup>۱۶</sup>

حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) عناصر اصلی «توسعه انسانی» را تشکیل می‌دهند. چهار دسته از این حقوق ارتباط مستقیمی با تحقق حق بر توسعه دارند:

الف) حق بر آموزش: توسعه بدون آموزش، منجر به نابرابری پایدار و بازتولید فقر در نسل‌های بعدی می‌شود. آموزش ظرفیت‌سازی نیروی انسانی برای مشارکت فعال در فرآیند توسعه را ممکن می‌سازد.

ب) حق بر بهداشت: فقدان بهداشت عمومی، بهره‌وری اقتصادی را کاهش داده، هزینه‌های درمانی را افزایش می‌دهد و چرخه فقر را تداوم می‌بخشد. یک جمعیت سالم، زیربنای هر توسعه پایدار است.

ج) حق بر کار و شرایط عادلانه کاری: نبود امنیت شغلی، دستمزد عادلانه و حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری، مانع مشارکت مؤثر افراد در فرآیند توسعه و بهره‌مندی عادلانه از منافع آن می‌شود.

د) حق بر تأمین اجتماعی: فقدان شبکه‌های حمایت اجتماعی، گروه‌های آسیب‌پذیر را در برابر شوک‌های اقتصادی و طبیعی بی‌دفاع می‌کند و ظرفیت آن‌ها را برای مشارکت در توسعه کاهش می‌دهد.

از این منظر، حقوق نسل دوم نه تنها ابزار تحقق توسعه هستند، بلکه معیار ارزیابی آن نیز محسوب می‌شوند. تحقیقی که در آن حقوق بنیادین آموزشی، بهداشتی و معیشتی مردم نادیده گرفته شود، توسعه به معنای واقعی کلمه نیست.<sup>۱۷</sup>

۱-۴. حق بر تعیین سرنوشت به‌مثابه پیش‌شرط و هسته مرکزی توسعه

حق تعیین سرنوشت که در ماده ۱ مشترک دو میثاق ۱۹۶۶ تصریح شده است، دارای دو بعد حیاتی برای توسعه است: بعد خارجی: حق ملت‌ها برای تعیین وضعیت سیاسی خود (از جمله حق تعیین حاکمیت، حق استقلال و حق تعیین روابط بین‌المللی). بدون این بعد، ملت‌ها نمی‌توانند مسیر توسعه خود را فارغ از مداخلات خارجی تعیین کنند.

بعد داخلی: حق مشارکت در اداره امور عمومی و انتخاب نظام اقتصادی و اجتماعی متناسب با فرهنگ و شرایط بومی. توسعه‌ای که بدون مشارکت مردم و برخلاف اراده آن‌ها اعمال شود، فاقد مشروعیت و پایداری لازم است.

<sup>14</sup> Arjun Sengupta, "The Human Right to Development," Oxford Development Studies, Vol. 32, No. 2 (2004), pp. 179-203.

<sup>15</sup> Markus Kaltborn, The Right to Development: Sustainable Development and the Practice of Good Governance (Cham: Springer, 2019), pp. 21-35.

<sup>16</sup> آل‌کجیاف، حسین، «مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۲، صص. ۱۴۰-۱۴۳.

<sup>17</sup> Manisuli Ssenyonjo, Economic, Social and Cultural Rights in International Law: Contemporary Issues and Challenges, 3rd ed. (Oxford: Oxford University Press, 2022), pp. 487-520.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حق تعیین سرنوشت، «حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی» است. این اصل که در قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۶۲) و سپس در ماده ۱ مشترک میثاق‌های ۱۹۶۶ تثبیت شد، به دولت‌ها و ملت‌ها اجازه می‌دهد منابع طبیعی خود را در جهت توسعه ملی به کار گیرند و مانع بهره‌برداری استعماری یا ناعادلانه توسط قدرت‌های خارجی می‌شود. بدون حاکمیت بر منابع، امکان برنامه‌ریزی توسعه‌ای مستقل و پایدار وجود ندارد. تجربه تاریخی نشان داده است که سیاست‌های توسعه‌ای تحمیلی (مانند برنامه‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) اغلب به شکست می‌انجامند، زیرا فاقد مشارکت مردمی و مالکیت ملی هستند. در مقابل، مشارکت دموکراتیک، کارایی و پایداری توسعه را افزایش می‌دهد. تحقق حق تعیین سرنوشت در جلوگیری از نقض‌های فاحش حقوق بشر و بحران‌های شدید انسانی نقش دارد.<sup>۱۸</sup>

#### ۱-۵. جایگاه حق بر توسعه در نظام حقوق بین‌الملل

هرچند اعلامیه ۱۹۸۶ سندی غیرالزام‌آور است، اما با سایر اسناد حقوق بشری همچون میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیوند نزدیکی دارد. ماده ۲ میثاق نخست، دولت‌ها را مکلف به «اتخاذ تدابیر تدریجی برای تحقق کامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» می‌کند که به صورت ضمنی شامل تحقق توسعه نیز می‌شود.<sup>۱۹</sup>

حقوق مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند حق بر کار (ماده ۶)، بهداشت (ماده ۱۲)، آموزش (ماده ۱۳) و استاندارد مناسب زندگی (ماده ۱۱) بنیان تحقق توسعه را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین نقض این حقوق می‌تواند به نقض حق بر توسعه نیز منجر شود. در این میان، حق تعیین سرنوشت که در ماده ۱ هر دو میثاق ۱۹۶۶ تصریح شده، عنصر مرکزی حق بر توسعه محسوب می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه تیمور شرقی (۱۹۹۵)<sup>۲۰</sup> و در رأی مشورتی دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین (۲۰۰۴) جایگاه بنیادین و عرفی این حق را تأیید کرده است.<sup>۲۱</sup>

بر اساس ماده ۲ میثاق میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی به صورت «تدریجی» و با استفاده از حداکثر منابع موجود انجام می‌شود؛ با این حال این اصل نمی‌تواند توجیهی برای خودداری از اقدامات اساسی توسعه‌ای باشد. افزون بر این، اصل عدم تبعیض در ماده ۲(۲) تعهدی فوری است و سیاست‌های توسعه‌ای تبعیض‌آمیز را ممنوع می‌کند. همچنین کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۳ (۱۹۹۰) بر وجود «حداقل تعهدات هسته‌ای» تأکید کرده است که دولت‌ها موظف به تأمین آن‌ها هستند.<sup>۲۲</sup>

<sup>۱۸</sup> عبدالله، محسن؛ حسینی، سیدرضا. «تحقق حق تعیین سرنوشت در چارچوب مسئولیت حمایت»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی، سال ۲۵، شماره ۸۰، پاییز ۱۴۰۲، صص. ۱۳۳-۱۷۰.

<sup>۱۹</sup> International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (adopted 16 December 1966, entered into force 3 January 1976) 993 UNTS 3 art 2.

<sup>۲۰</sup> International Court of Justice, East Timor (Portugal v. Australia), Advisory Opinion, 1995.

<sup>۲۱</sup> International Court of Justice, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 2004.

<sup>۲۲</sup> Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment No. 3: The Nature of States Parties' Obligations (Article 2(1) of the Covenant) (14 December 1990) UN Doc E/1991/23, annex III at 86.

علاوه بر این، اسناد منطقه‌ای چون منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱) به صراحت در ماده ۲۲ «حق ملت‌ها به توسعه» را شناسایی کرده‌اند و سازوکار نظارتی آن (کمیسیون و دیوان آفریقایی) در چند پرونده، از جمله پرونده سرک علیه نیجریه (۲۰۰۱)، این حق را مبنای مسئولیت دولت قرار داده است.<sup>۲۳</sup>

۱-۶. تعهدات دولت‌ها در تحقق حق بر توسعه

در چارچوب نظری اعلامیه و همچنین تعهدات مقرر در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و تفاسیر نهادهای سازمان ملل (از جمله گزارش‌های کارشناس مستقل آرجون سنگوپتا)، سه نوع تعهد اصلی برای دولت‌ها در راستای تحقق حق بر توسعه قابل شناسایی است:

۱. تعهد به احترام<sup>۲۴</sup>: دولت‌ها نباید اقداماتی انجام دهند که مانع دسترسی مردم به منابع توسعه شود. مصادیق آن عبارتند از: جلوگیری از آوارگی اجباری، عدم تبعیض ساختاری در تخصیص بودجه، و عدم ایجاد موانع اداری برای دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به خدمات پایه.

۲. تعهد به حمایت<sup>۲۵</sup>: دولت‌ها باید از مداخله اشخاص ثالث در بهره‌مندی از توسعه جلوگیری کنند. برای مثال، دولت موظف است از استثمار منابع طبیعی توسط شرکت‌های خارجی به گونه‌ای که منافع جامعه محلی نادیده گرفته شود، جلوگیری کند.

۳. تعهد به اجرا یا تحقق<sup>۲۶</sup>: دولت‌ها مکلف‌اند سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌هایی را در جهت تحقق توسعه پایدار اتخاذ کنند.<sup>۲۷</sup> این سطح شامل اتخاذ برنامه‌های کاهش فقر، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی، و ایجاد نظام تأمین اجتماعی فراگیر است.

در سطح بین‌المللی نیز اصل همکاری (ماده ۳ اعلامیه) دولت‌ها را موظف به مشارکت در نظام بین‌المللی عادلانه و فراهم‌سازی شرایط توسعه جهانی می‌کند.<sup>۲۸</sup>

۱-۷. چالش الزام‌آوری و قابلیت اجرا

مشکل اصلی در اجرای حق بر توسعه، فقدان سازوکار الزام‌آور و نبود مرجع بین‌المللی برای رسیدگی به نقض آن است. تلاش‌ها برای تصویب یک کنوانسیون الزام‌آور درباره حق بر توسعه از دهه ۲۰۱۰ به این سو ادامه دارد، اما تاکنون به نتیجه نرسیده است.<sup>۲۹</sup> از همین رو، بسیاری از صاحب‌نظران پیشنهاد کرده‌اند تا از چارچوب «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» (مطابق پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها) برای پر کردن این خلأ استفاده شود؛ امری که در بخش‌های بعدی مقاله بررسی خواهد شد.

۲. مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پرتو پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها

<sup>23</sup> Social and Economic Rights Action Center (SERAC) and Center for Economic and Social Rights (CESR) v Nigeria (2001) AHRLR 60 (ACHPR 2001).

<sup>24</sup> Obligation to respect

<sup>25</sup> Obligation to protect

<sup>26</sup> Obligation to fulfil

<sup>27</sup> Sengupta (n 3) paras 45–60.

<sup>28</sup> Declaration (n 1) art 3.

<sup>29</sup> UN Human Rights Council, Report of the Intergovernmental Working Group on the Right to Development, UN Doc A/HRC/48/63 (2021).

## ۱-۲. مفهوم و تحول نظری مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

مسئولیت بین‌المللی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی است. زیرا اصلاً هر گونه تعهد حقوقی بین‌المللی که از سوی تابعان حقوقی بین‌المللی نادیده انگاشته و نقض شود، بلافاصله موضوع مسئولیت بین‌المللی آن‌ها پیش می‌آید.<sup>۳۰</sup>

مسئولیت بین‌المللی بر اصل پاسخگویی در برابر نقض تعهدات بین‌المللی استوار است. ریشه‌های این نهاد را می‌توان در رویه داورهای بین‌المللی قرن نوزدهم، از جمله در پرونده معروف غرامت آلاباما ۱۸۷۲ یافت؛ جایی که دولت بریتانیا در قبال رفتار ناقض بی‌طرفی خود در جنگ داخلی آمریکا مسئول شناخته شد.<sup>۳۱</sup> در قرن بیستم، گسترش نهادهای بین‌المللی و افزایش تعهدات دولت‌ها در حوزه‌های حقوق بشر، محیط زیست، و تجارت بین‌الملل، مفهوم مسئولیت دولت‌ها را از سطح روابط دوجانبه به سطحی جمعی و چندبعدی ارتقا داد.<sup>۳۲</sup> کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد<sup>۳۳</sup> از سال ۱۹۵۶ مأمور تدوین پیش‌نویس جامع مسئولیت دولت‌ها شد و پس از ده‌ها سال کار فنی و نظری، در سال ۲۰۰۱ پیش‌نویس نهایی خود را تحت عنوان مواد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی<sup>۳۴</sup> به مجمع عمومی ارائه کرد.<sup>۳۵</sup> این سند هرچند معاهده‌ای الزام‌آور نیست، اما بخش زیاد آن به‌عنوان انعکاسی از عرف بین‌المللی پذیرفته شده است.<sup>۳۶</sup> و در مواد آن فقط به مسئولیت ناشی از اعمالی که از لحاظ بین‌المللی تخلف محسوب می‌شوند پرداخته شده است.<sup>۳۷</sup>

## ۲-۲. عناصر اساسی مسئولیت بین‌المللی

مطابق ماده ۲ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها تحقق مسئولیت بین‌المللی مستلزم دو عنصر اصلی است:

۱. وجود عملی متخلفانه که به دولت قابل انتساب باشد؛

۲. نقض تعهد بین‌المللی توسط آن عمل.<sup>۳۸</sup>

به‌عبارتی، هرگاه یک رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) که منسوب به دولت است، تعهدی بین‌المللی را نقض کند، دولت مسئول شناخته می‌شود.

این قاعده ماهیت عینی<sup>۳۹</sup> دارد؛ به این معنا که برای تحقق مسئولیت، وجود قصد یا سوءنیت<sup>۴۰</sup> شرط نیست، بلکه صرف وقوع عمل ناقض کفایت می‌کند.<sup>۴۱</sup>

---

<sup>۳۰</sup> آرامش شهبازی و آیدا آقاجانی رونقی، «جاسوسی سایبری در حقوق بین‌الملل: مسئله انتساب مسئولیت بین‌المللی به دولت در هاله‌ای از ابهام»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، ص ۷.

<sup>۳۱</sup> The Alabama Claims Arbitration (United States v United Kingdom) (1872) 29 RIAA 125.

<sup>۳۲</sup> James Crawford, State Responsibility: The General Part (CUP 2013) 5-12.

<sup>۳۳</sup> International Law Commission (ILC)

<sup>۳۴</sup> Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA)

<sup>۳۵</sup> International Law Commission (ILC), Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, UN Doc A/56/10 (2001).

<sup>۳۶</sup> Crawford (n 2) 15-18.

<sup>۳۷</sup> حلمی، نصرت‌الله، مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹ صفحه ۲۳.

<sup>۳۸</sup> ILC Articles (n 3) art 2.

<sup>۳۹</sup> objective

<sup>۴۰</sup> mens rea

## ۳-۲. انتساب رفتار به دولت

انتساب<sup>۴۲</sup> یکی از کلیدی‌ترین مباحث در حقوق مسئولیت بین‌المللی است. مواد ۴ تا ۱۱ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها معیارهای دقیق انتساب را مشخص می‌کنند. بر اساس ماده ۴، «رفتار هر ارگان دولتی (اعم از قوای مقننه، مجریه، قضایی یا هر نهاد دیگر که در نظام حقوقی داخلی به‌عنوان ارگان دولت شناخته می‌شود) به دولت قابل انتساب است».<sup>۴۳</sup>

افزون بر آن، در شرایط خاص، اعمال اشخاص یا گروه‌هایی که تحت کنترل مؤثر<sup>۴۴</sup> دولت عمل می‌کنند نیز به آن دولت منسوب خواهد شد.<sup>۴۵</sup> این اصل در رأی معروف نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶) توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تثبیت شد.<sup>۴۶</sup>

ماده ۸ پیش‌نویس نیز مقرر می‌دارد که اگر فرد یا گروهی تحت هدایت، دستور یا کنترل دولت اقدام کند، اعمال آن‌ها به دولت قابل انتساب خواهد بود. این بند در تحلیل وضعیت‌هایی نظیر مداخله اقتصادی یا تحریم‌هایی که مانع توسعه یک کشور می‌شوند، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.

## ۴-۲. نقض تعهد بین‌المللی

عنصر دوم مسئولیت، نقض تعهد بین‌المللی است. ماده ۱۲ پیش‌نویس بیان می‌دارد که نقض زمانی رخ می‌دهد که رفتار دولت مطابق با تعهدات بین‌المللی آن نباشد، صرف‌نظر از ماهیت تعهد (قراردادی یا عرفی).<sup>۴۷</sup>

در این چارچوب، اگر تعهد دولت شامل همکاری بین‌المللی برای تحقق توسعه باشد—چنان‌که در اعلامیه حق بر توسعه مقرر است—عدم اجرای آن می‌تواند مصداق نقض تعهد تلقی شود.<sup>۴۸</sup>

افزون بر این، پیش‌نویس در مواد ۴۰ و ۴۱ از نقض‌های فاحش تعهدات ناشی از قواعد آمره سخن می‌گوید؛ تعهداتی که اهمیت بنیادین برای جامعه بین‌المللی دارند و همه دولت‌ها در قبال آن ذی‌نفع هستند.<sup>۴۹</sup> برخی نویسندگان مانند استفن مارکس بر این باورند که در پرتو تحولات اخیر، حق بر توسعه می‌تواند در آینده به سطح چنین تعهداتی ارتقا یابد.<sup>۵۰</sup>

## ۵-۲. اشکال جبران در مسئولیت بین‌المللی

پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها سه شکل اصلی از جبران خسارت را پیش‌بینی کرده است:

۱. اعاده به وضعیت پیشین<sup>۵۱</sup>: بازگرداندن وضعیت موجود به حالت قبل از وقوع عمل متخلفانه (ماده ۳۵).

<sup>41</sup> Pierre-Marie Dupuy, 'Reviewing the Difficulties of Codification: On Ago's Classification of Obligations of Means and Result' (1999) 10 EJIL 379.

<sup>42</sup> Attribution

<sup>43</sup> ILC Articles (n 3) art 4.

<sup>44</sup> effective control

<sup>45</sup> Ibid art 8.

<sup>46</sup> Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America) (Merits) [1986] ICJ Rep 14, paras 109-115.

<sup>47</sup> ILC Articles (n 3) art 12.

<sup>48</sup> UNGA, Declaration on the Right to Development, GA Res 41/128 (4 December 1986) art 3.

<sup>49</sup> ILC Articles (n 3) arts 40-41.

<sup>50</sup> Stephen Marks, 'The Human Right to Development: Between Rhetoric and Reality' (2004) 17 Harvard HRJ 137, 148.

<sup>51</sup> Restitution

۲. غرامت<sup>۵۲</sup>: پرداخت خسارت مادی یا معنوی (ماده ۳۶).

۳. رضایت و تضمین عدم تکرار<sup>۵۳</sup>: برای جبران خسارات غیرمادی و نمادین (ماده ۳۷).<sup>۵۴</sup>

در زمینه نقض حق بر توسعه، اعمال این اشکال جبران با دشواری‌هایی مواجه است، زیرا آثار نقض معمولاً جمعی، بلندمدت و پیچیده‌اند؛ مثلاً تحریم‌های اقتصادی گسترده که رشد اقتصادی یک ملت را متوقف می‌کنند یا سیاست‌های تجاری ناعادلانه‌ای که مانع از تحقق عدالت توسعه‌ای می‌شوند.<sup>۵۵</sup>

۲-۶. تعهدات جمعی و قواعد عام‌الشمول

یکی از نوآوری‌های مهم در حقوق بین‌الملل معاصر، پذیرش تعهدات عام‌الشمول<sup>۵۶</sup> است؛ تعهداتی که در قبال کل جامعه بین‌المللی برقرارند و نقض آن‌ها همه دولت‌ها را ذی‌حق در واکنش می‌سازد.<sup>۵۷</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده بارسلونا ترکشن (۱۹۷۰) نخستین بار این مفهوم را معرفی کرد.<sup>۵۸</sup>

پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها نیز در مواد ۴۸ و ۵۴، واکنش دولت‌های ثالث را در برابر نقض تعهدات جمعی مجاز می‌شمارد. از این رو، چنانچه حق بر توسعه به‌عنوان تعهدی جمعی تلقی شود، نقض آن نه‌تنها مسئولیت دولت ناقض، بلکه واکنش جامعه بین‌المللی را نیز برمی‌انگیزد.<sup>۵۹</sup>

۲-۷. مسئولیت مضاعف در نقض تعهدات توسعه‌ای

در برخی موارد، نقض حق بر توسعه می‌تواند هم‌زمان با نقض سایر تعهدات بین‌المللی همراه باشد. برای مثال، اقداماتی که مانع از دسترسی مردم به آموزش، بهداشت یا محیط زیست سالم می‌شود، ممکن است هم نقض میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد و هم مصداق نقض تعهد به همکاری توسعه‌ای در چارچوب اعلامیه ۱۹۸۶.<sup>۶۰</sup>

رویه دیوان بین‌المللی دادگستری مؤید تعهد کنترل موجودیت‌های تحت صلاحیت دولت است. این تعهد بخشی از مجموعه مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست است.<sup>۶۱</sup>

چنین مواردی می‌توانند مبنایی برای مسئولیت مضاعف دولت‌ها فراهم کنند؛ بدین معنا که دولت نه‌تنها در قبال اشخاص متضرر در قلمرو خود، بلکه در برابر جامعه بین‌المللی نیز مسئول است.<sup>۶۲</sup>

۳. ارتباط میان حق بر توسعه و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

۳-۱. مبانی نظری ارتباط دو حوزه

<sup>52</sup> Compensation

<sup>53</sup> Satisfaction and Guarantee of Non-Repetition

<sup>54</sup> ILC Articles (n 3) arts 35–37.

<sup>55</sup> Koen de Feyter, *Globalization and Common Responsibilities* (Ashgate 2001) 97–100.

<sup>56</sup> erga omnes

<sup>57</sup> Christian Tams, *Enforcement of International Law in the Context of Erga Omnes Obligations* (OUP 2005) 23–26.

<sup>58</sup> *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v Spain)* [1970] ICJ Rep 3, para 33.

<sup>59</sup> ILC Articles (n 3) arts 48–54.

<sup>60</sup> ICESCR (1966) art 2; Declaration on the Right to Development (n 11) arts 1–3.

<sup>61</sup> صالحی، جواد و آل کجیاف، حسین (۱۴۰۰) «مسئولیت بین‌المللی دولت حامی در بهره‌برداری از منابع ناحیه در پرتو بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و سوم، شماره چهار، صفحات ۲۰۱–۲۱۲.

<sup>62</sup> Crawford (n 2) 65–70.

حق بر توسعه و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از لحاظ فلسفی و هنجاری، بر اصل مشترک پاسخ‌گویی دولت‌ها در برابر تعهدات بین‌المللی استوارند. حق بر توسعه بر مبنای تعهدات جمعی و همکاری بین‌المللی بنا شده، در حالی که حقوق مسئولیت دولت‌ها سازوکاری برای پاسخگویی در قبال نقض این تعهدات فراهم می‌آورد.<sup>63</sup>

در حقیقت، اگر تعهد دولت‌ها به همکاری در توسعه و تحقق شرایط برابر برای ملت‌ها را یک تعهد بین‌المللی بدانیم، نقض آن در قالب «عمل متخلفانه بین‌المللی» قابل تحلیل خواهد بود. این دیدگاه نخستین بار توسط آرجون سنگوپتا<sup>64</sup> (گزارشگر ویژه حق بر توسعه) مطرح شد. او استدلال کرد که عدم همکاری نظام‌مند برخی دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی در رفع فقر جهانی می‌تواند به منزله «نقض تعهد بین‌المللی نسبت به توسعه» تفسیر شود.<sup>65</sup> دولت‌ها در روابط بین‌المللی خود با یکدیگر وارد سازوکارهای الزام‌آور بین‌المللی در موضوعاتی می‌شوند که در صلاحیت داخلی قرار می‌گیرند. این اعمال داوطلبانه اگرچه باعث محدودیت‌هایی برای دولت‌ها می‌شود، لیکن حاکمیت قانونی آن‌ها را در عرصه داخلی از بین نمی‌برد.<sup>66</sup>

۲-۳. انتساب نقض حق بر توسعه به دولت‌ها

برای انتساب نقض حق بر توسعه به دولت، دو شرط اساسی وجود دارد:

(الف) رفتار دولت باید در محدوده‌ی اختیارات یا کنترل آن باشد؛

(ب) رفتار مزبور باید منجر به نقض تعهدات توسعه‌ای گردد.<sup>67</sup>

در سطح ملی، بی‌توجهی دولت‌ها به توسعه انسانی، فساد ساختاری، یا سیاست‌های تبعیض‌آمیز اقتصادی می‌تواند مصداق ترک فعل متخلفانه باشد. در سطح بین‌المللی نیز اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی، ممانعت از دسترسی کشورهای در حال توسعه به فناوری‌های حیاتی یا اعمال سیاست‌های تجاری ناعادلانه می‌تواند نقض تعهد به همکاری توسعه‌ای تلقی گردد.<sup>68</sup>

در این زمینه، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌هایی چون نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶) و پرونده اجرای کنوانسیون نسل‌کشی (بوسنی و هرزگوین علیه صربستان ۲۰۰۷) معیارهای «کنترل مؤثر» و «تعهد به جلوگیری» را مطرح کرده است که در تحلیل نقض حق بر توسعه نیز قابل استفاده است.<sup>69</sup>

۳-۳. نقش سازمان‌های بین‌المللی در نقض یا حمایت از حق بر توسعه

نکته مهم این است که برخی نقض‌های مرتبط با توسعه، نه توسط دولت‌های منفرد بلکه از طریق تصمیمات نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت یا صندوق بین‌المللی پول رخ می‌دهد. برای مثال، تحریم‌های گسترده‌ای که منجر به فروپاشی اقتصادی یک کشور می‌شود، ممکن است عملاً نقض حق مردم آن کشور به توسعه تلقی شود.<sup>70</sup>

<sup>63</sup> James Crawford, *State Responsibility: The General Part* (CUP 2013) 70–72.

<sup>64</sup> Arjun Sengupta

<sup>65</sup> Arjun Sengupta, *Development Cooperation and the Right to Development* (UN Doc E/CN.4/2002/WG.18/2, 2002).

<sup>66</sup> صالحی و آل کجیاف، ۱۴۰۰: ۲۰۵.

<sup>67</sup> ILC Articles (2001) art 2.

<sup>68</sup> Koen de Feyter, *Human Rights: Social Justice in the Age of the Market* (Zed Books 2005) 119–125.

<sup>69</sup> *Nicaragua v United States of America* (Merits) [1986] ICJ Rep 14; *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v Serbia and Montenegro)* [2007] ICJ Rep 43.

<sup>70</sup> Stephen Marks, 'The Right to Development and Its Relationship with Other Human Rights' (2003) 24 HRLJ 1.

در این زمینه، کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۱ پیش‌نویس جداگانه‌ای را درباره مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی<sup>۷۱</sup> تصویب کرد که مکمل پیش‌نویس ۲۰۰۱ دولت‌هاست. ماده ۱۴ این طرح مقرر می‌دارد که «سازمان بین‌المللی مسئول اعمالی است که ناقض تعهدات بین‌المللی آن باشد».<sup>۷۲</sup> بنابراین، سازمان‌هایی نظیر بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول نیز می‌توانند در قبال سیاست‌های اقتصادی مضر به توسعه مسئول تلقی شوند.<sup>۷۳</sup>

۳-۴. جایگاه تعهدات توسعه‌ای در نظام تعهدات عام‌الشمول

همان‌گونه که در فصل دوم بیان شد، تعهدات عام‌الشمول به‌دلیل اهمیت جهانی، مسئولیتی فراتر از روابط دوجانبه ایجاد می‌کنند.<sup>۷۴</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده تیمور شرقی (۱۹۹۵) تأکید کرد که حق تعیین سرنوشت ملت‌ها تعهدی عام‌الشمول است.<sup>۷۵</sup> با توجه به پیوند مستقیم میان تعیین سرنوشت و توسعه، بسیاری از نویسندگان استدلال کرده‌اند که حق بر توسعه نیز ماهیتاً واجد چنین ویژگی است.<sup>۷۶</sup> از این منظر، نقض سیستماتیک حق بر توسعه—مثلاً از طریق استعمار اقتصادی یا محروم‌سازی ساختاری ملت‌ها از منابع جهانی—می‌تواند به عنوان نقض تعهدات عام‌الشمول تلقی شود و بنابراین همه دولت‌ها حق دارند به آن واکنش نشان دهند.<sup>۷۷</sup>

۳-۵. رویه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

هرچند تاکنون هیچ مرجع بین‌المللی مستقیماً دولت‌ها را به دلیل نقض حق بر توسعه مسئول ندانسته است، اما رویه‌هایی وجود دارد که به‌صورت ضمنی بر پیوند این دو حوزه دلالت دارند:

کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها در پرونده سرک علیه نیجریه (۲۰۰۱)، اعلام کرد که دولت نیجریه با حمایت از شرکت‌های نفتی در تخریب محیط زیست دلتا نیجر، حق ملت اوگونی به توسعه و زندگی شایسته را نقض کرده است.<sup>۷۸</sup> فیلیپ آلستون<sup>۷۹</sup> گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد فقر مفرط در گزارش ۲۰۱۹ خود تأکید کرد که نابرابری اقتصادی شدید و سیاست‌های مالی ناعادلانه می‌تواند نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها از جمله تعهد به توسعه تلقی شود.<sup>۸۰</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود درباره پیامدهای حقوقی احداث دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین (۲۰۰۴) تصریح کرد که حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت، بخشی از حقوق توسعه‌ای آن‌هاست و نقض آن تعهدات عام‌الشمول را برمی‌انگیزد.<sup>۸۱</sup> قابل ذکر است که دیوان در همین رأی تأکید کرد که حق بر تعیین سرنوشت، تعهدی عام‌الشمول<sup>۸۲</sup> است و همه دولت‌ها در قبال احترام به آن مسئولیت دارند. با عنایت به پیوند وثیق حق بر تعیین

<sup>71</sup> Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (Dario)

<sup>72</sup> International Law Commission, Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (DARIO), UN Doc A/66/10 (2011) art 14.

<sup>73</sup> August Reinisch, 'The Responsibility of International Organizations under International Law' (2010) 60 ICLQ 132.

<sup>74</sup> Christian Tams, Enforcement of International Law in the Context of Erga Omnes Obligations (OUP 2005) 30–35.

<sup>75</sup> East Timor (Portugal v Australia) [1995] ICJ Rep 90, para 29.

<sup>76</sup> Koen de Feyter, The Right to Development and Human Rights in Development (Intersentia 2013) 82–90.

<sup>77</sup> Marks (n 6) 5.

<sup>78</sup> Social and Economic Rights Action Center (SERAC) v Nigeria (2001) AHRLR 60 (ACHPR 2001).

<sup>79</sup> Philip Alston

<sup>80</sup> UN Special Rapporteur on Extreme Poverty and Human Rights, Report on Global Inequality, UN Doc A/74/493 (2019).

<sup>81</sup> Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion) [2004] ICJ Rep 136, para 155.

<sup>82</sup> erga omnes

سرنوشت و حق بر توسعه (چنانکه در ماده ۱ اعلامیه ۱۹۸۶ نیز بدان اشاره شده است)، این تلقی را می‌توان به حق بر توسعه نیز تسری داد؛ هر چند این تسری هنوز در رویه قضایی بین‌المللی به صراحت تأیید نشده است. این رویه‌ها نشان می‌دهند که گرایش نظام بین‌المللی حقوقی به رسمیت شناختن حق بر توسعه به‌عنوان یک تعهد اجرایی و قابل استناد در حال تقویت است.

۳-۶. هم‌افزایی حقوق: اصل تفکیک‌ناپذیری و وابستگی متقابل کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳) در بند ۵ اعلامیه خود، اصل «جهان‌شمولی، تفکیک‌ناپذیری و وابستگی متقابل حقوق بشر» را به رسمیت شناخت. این اصل از سه جهت به ارتباط حق بر توسعه با سایر حقوق بشر روشنی می‌بخشد:

اول: توسعه بدون آزادی‌های سیاسی (حقوق نسل اول) پایدار نیست. تجربه تاریخی نشان داده است که دیکتاتورهای توسعه‌محور اغلب با شکست مواجه شده‌اند، زیرا مشارکت شهروندان و پاسخگویی دولت را نادیده می‌گیرند.

دوم: آزادی‌های مدنی بدون عدالت اجتماعی (حقوق نسل دوم) به گسترش نابرابری و انحصار فرصت‌ها در دست نخبگان منجر می‌شود. در چنین شرایطی، «آزادی» برای فقیران یک مفهوم انتزاعی و بی‌معناست.

سوم: حق بر تعیین سرنوشت به‌عنوان بستر نهادی، امکان تحقق هم‌زمان هر دو دسته حقوق را فراهم می‌آورد. ملتی که بر سرنوشت خود حاکم نباشد، نمی‌تواند اولویت‌های توسعه‌ای خود را تعیین کند و در نتیجه، هم آزادی‌های سیاسی و هم عدالت اجتماعی برای او معنای عینی پیدا نمی‌کند.<sup>۸۳</sup>

در این چارچوب، حق بر توسعه نقش «نقطه تلاقی» یا «چارچوب تفسیری» را ایفا می‌کند که سایر حقوق بشر را در یک چشم‌انداز کلان و یکپارچه به هم مرتبط می‌سازد. این نگاه تلفیقی، مبنای مستحکم‌تری برای احراز مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض توسعه فراهم می‌آورد؛ زیرا نقض حق بر توسعه عملاً به معنای نقض هماهنگ و جمعی مجموعه‌ای از حقوق به‌هم پیوسته است.

اصل «تفکیک‌ناپذیری و وابستگی متقابل حقوق بشر» در ادبیات حقوق بین‌الملل نیز مورد تأکید قرار گرفته و نشان می‌دهد که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌صورت جداگانه قابل فهم و اجرا نیستند.<sup>۸۴</sup>

۳-۷. چالش‌های اجرایی در تحقق مسئولیت دولت‌ها

با وجود مبانی نظری قوی، اجرای عملی مسئولیت بین‌المللی در قبال نقض حق بر توسعه با موانع عمده‌ای روبه‌روست:

۱. نبود معاهده الزام‌آور: هنوز کنوانسیون بین‌المللی مستقلی درباره حق بر توسعه وجود ندارد و اعلامیه ۱۹۸۶ صرفاً سندی هنجاری است.<sup>۸۵</sup>

<sup>83</sup> Vienna Declaration and Programme of Action, adopted by the World Conference on Human Rights, 25 June 1993, UN Doc A/CONF.157/23, para 5.

<sup>84</sup> رسولی، سارا؛ رضایی‌نژاد، ایرج. «تأملی بر نظریه جیمز نیکل درباره تفکیک‌ناپذیری و وابستگی متقابل حقوق بشر». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، سال ۱۴۰۲، دوره ۵۳، شماره ۲، صص. ۹۱۹-۹۳۷.

<sup>85</sup> UNHRC, Report of the Intergovernmental Working Group on the Right to Development, UN Doc A/HRC/48/63 (2021).

۲. فقدان مرجع رسیدگی قضایی تخصصی: برخلاف حقوق بشر یا محیط زیست، هیچ دیوان خاصی برای رسیدگی به نقض حق بر توسعه ایجاد نشده است.

۳. ابهام در شناسایی متضرر: از آنجا که حق بر توسعه دارای بُعد جمعی است، تعیین دقیق طرف زیان دیده دشوار است.<sup>۸۶</sup>

۴. تعارض منافع اقتصادی: قدرت‌های بزرگ اقتصادی اغلب در تدوین سیاست‌های توسعه‌ای جهانی نقش مسلط دارند و تمایلی به پذیرش مسئولیت ندارند.<sup>۸۷</sup>

۵. ضعف در سازوکارهای جبرانی: حتی در مواردی که نقض محرز است (مانند تحریم‌های زیان‌بار برای غیرنظامیان)، سازوکاری برای جبران خسارات توسعه‌ای وجود ندارد.<sup>۸۸</sup>

یکی از اصول حقوق بین‌الملل اصل مراقبت بایسته است که بارها در دیوان‌های بین‌المللی تأیید شده و به معنای هوشیاری لازم در انجام تعهد حقوقی است. مطابق این اصل، اگر دولت در اجرای تعهدات خود فاقد مراقبت بایسته باشد، این اصل مبنایی برای مسئولیت بین‌المللی ایجاد خواهد کرد.<sup>۸۹</sup>

### ۳-۸. راهکارهای پیشنهادی

برای رفع این موانع، نویسندگان و نهادهای مختلف پیشنهادی زیر را مطرح کرده‌اند:

۱. تدوین معاهده الزام‌آور درباره حق بر توسعه در چارچوب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد؛<sup>۹۰</sup>

۲. تقویت صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به نقض تعهدات جمعی از جمله حق بر توسعه؛

۳. ادغام معیارهای توسعه انسانی در نظام داورهای بین‌المللی اقتصادی و تجاری؛

۴. تعیین مسئولیت مشترک دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی<sup>۹۱</sup> در سیاست‌های توسعه‌ای جهانی؛<sup>۹۲</sup>

۵. ایجاد صندوق جبران خسارات توسعه‌ای تحت نظارت شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل.<sup>۹۳</sup>

در مجموع، می‌توان گفت که چارچوب حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، هرچند در اصل برای روابط دوجانبه میان دولت‌ها طراحی شده است، اما قابلیت تفسیر و توسعه‌ی آن به حوزه‌ی حق بر توسعه وجود دارد. هرچه مشروعیت بین‌المللی این حق و ماهیت عرفی آن تقویت شود، امکان پاسخ‌گو ساختن دولت‌ها در قبال نقض آن نیز افزایش خواهد یافت.

نتیجه

این پژوهش با هدف تبیین رابطه میان حق بر توسعه و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در چارچوب پیش‌نویس

<sup>86</sup> Paul Hunt, 'The Human Right to Development: Formulation and Implementation' (2008) 10 HRLR 23.

<sup>87</sup> Bård A. Andreassen and Stephen Marks (eds), *Development as a Human Right: Legal, Political and Economic Dimensions* (Intersentia 2010) 105-112.

<sup>88</sup> Philip Alston, UN Report on Sanctions and Human Rights, UN Doc A/71/367 (2016).

<sup>89</sup> پرویز فرشاسعید و محمود جلالی، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی»، *حقوق فناوری‌های نوین*، دوره ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۸۲.

<sup>90</sup> UNHRC Res 45/7 (2020).

<sup>91</sup> shared responsibility

<sup>92</sup> André Nollkaemper and Dov Jacobs, 'Shared Responsibility in International Law: A Conceptual Framework' (2013) 34 Michigan J Intl L 359.

<sup>93</sup> UNDP, Human Development Report 2022 (UNDP 2022) 187-189.

کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱) انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حق بر توسعه را می‌توان به‌عنوان یک «حق تلفیقی و ساختاری» تحلیل کرد که: (۱) حقوق نسل دوم را به‌عنوان محتوای عینی خود در بر می‌گیرد (به‌گونه‌ای که توسعه بدون آموزش، بهداشت، کار شایسته و تأمین اجتماعی نه پایدار است و نه عادلانه)؛ (۲) حق بر تعیین سرنوشت را به‌عنوان شرط مشروعیت و جهت‌گیری توسعه مفروض می‌دارد (زیرا توسعه تحمیلی و بدون مشارکت مردم فاقد مشروعیت است و حاکمیت بر منابع طبیعی پیش‌شرط هرگونه برنامه‌ریزی مستقل توسعه‌ای محسوب می‌شود)؛ و (۳) از طریق ایجاد تعهدات چندسطحی (احترام، حمایت، اجرا) برای دولت‌ها، به دنبال تحقق عدالت اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی است.

تحلیل رویه‌های بین‌المللی و به‌ویژه پیوند حق بر توسعه با تعهدات الزام‌آور موجود نظیر حقوق نسل دوم در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حق بر تعیین سرنوشت در ماده ۱ میثاق حقوق مدنی سیاسی (نشان می‌دهد که علیرغم عدم مسئولیت‌یابی مستقیم دولت‌ها تاکنون به‌طور خاص ذیل اعلامیه ۱۹۸۶، ظرفیت‌های حقوقی قابل توجهی از طریق این تعهدات همپوشان وجود دارد. معیارهای «کنترل مؤثر» و «تعهدات عام‌الشمول» می‌توانند مبنای پاسخگویی دولت‌ها در موارد نقض حق بر توسعه قرار گیرند، به‌ویژه آنجا که نقض مزبور مصداق نقض میثاقین نیز باشد. با این حال، چالش‌های عمده‌ای از جمله فقدان معاهده الزام‌آور، نبود مرجع قضایی تخصصی، پیچیدگی‌های اثبات خسارت و تضاد منافع اقتصادی، تحقق عملی این مسئولیت را با مانع مواجه ساخته است.

در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان تأکید کرد که نقض حق بر توسعه از منظر حقوق بین‌الملل قابلیت انتساب به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را دارد. چارچوب پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها و پیش‌نویس طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی ابزار حقوقی مناسبی برای تحقق این هدف فراهم می‌آورد، هرچند شناسایی حق بر توسعه به عنوان تعهدی الزام‌آور نیازمند گسترش بیشتر حقوقی است. پیوند این دو حوزه نه تنها ضمانت اجرای حق بر توسعه را تقویت می‌کند، بلکه مسیر پاسخگویی و جبران خسارت را هموار می‌سازد.

در راستای تحقق این اهداف، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. تدوین کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور در خصوص حق بر توسعه همراه با سازوکارهای رسیدگی و جبران خسارت؛  
۲. تقویت صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به نقض تعهدات توسعه‌ای و پذیرش حق شکایت دولت‌ها و اشخاص ثالث؛

۳. ایجاد سازوکارهای مسئولیت مشترک میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در حوزه توسعه؛

۴. گسترش معیارهای عملی جبران خسارات توسعه‌ای از طریق ایجاد صندوق‌های بین‌المللی؛

۵. ارتقای همکاری‌های علمی، فنی و اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه.

در خاتمه، حق بر توسعه به عنوان حقی بنیادین و تعهدی جمعی در عرصه بین‌الملل، مستلزم پاسخگویی تمامی بازیگران بین‌المللی است. بدون تحقق هم‌زمان حقوق نسل دوم و حق بر تعیین سرنوشت، توسعه نه پایدار خواهد بود و نه عادلانه. اگرچه چارچوب حقوقی موجود امکان مسئولیت‌یابی دولت‌ها را فراهم می‌سازد، تحقق عملی این امر مستلزم توسعه حقوقی، تصویب معاهدات الزام‌آور و تقویت سازوکارهای جبرانی است. تلفیق هوشمندانه حق بر توسعه و مسئولیت بین‌المللی نه تنها ظرفیت‌های حقوقی بی‌بدیلی برای پاسخگویی ایجاد می‌کند، بلکه تحقق توسعه پایدار و عدالت اقتصادی در عرصه جهانی را شتاب خواهد بخشید.

۱. آرامش شهبازی؛ و آقاجانی رونقی، آیدا. (۱۳۹۹). جاسوسی سایبری در حقوق بین‌الملل: مسئله انتساب مسئولیت بین‌المللی به دولت در هاله‌ای از ابهام. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۰(۴)، ۷.
۲. آل کجیاف، حسین. (۱۳۹۲). مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. فصلنامه حقوق پزشکی، ۷(۲۴)، ۱۴۰-۱۴۳.
۳. باقری خرم‌دشتی، زهره؛ شریفی طرازکوهی، حسین؛ و فتح‌پور، فاطمه. (۱۴۰۳). نقش شورای حقوق بشر در ارتقای حق بر توسعه. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۷(۶۳)، ۱۴۷-۱۶۹.
۴. پرویز فرشاسعید؛ و جلالی، محمود. (۱۴۰۱). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی. حقوق فناوری‌های نوین، ۳(۶)، ۱۸۲.
۵. حلمی، نصرت‌الله. (۱۳۸۹). مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی. تهران: نشر میزان، صفحه ۲۳.
۶. رسولی، سارا؛ و رضایی‌نژاد، ایرج. (۱۴۰۲). تأملی بر نظریه جیمز نیکل درباره تفکیک‌ناپذیری و وابستگی متقابل حقوق بشر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۳(۲)، ۹۱۹-۹۳۷.
۷. صالحی، جواد؛ و آل کجیاف، حسین. (۱۴۰۰). مسئولیت بین‌المللی دولت حامی در بهره‌برداری از منابع ناحیه در پرتو بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۳(۴)، ۲۰۱-۲۱۲.
۸. عبداللهی، محسن؛ و حسینی، سیدرضا. (۱۴۰۲). تحقق حق تعیین سرنوشت در چارچوب مسئولیت حمایت. فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی، ۲۵(۸۰)، ۱۳۳-۱۷۰.

## English References

۱. Alston, P. (2016). UN Report on Sanctions and Human Rights (UN Doc A/71/367).
۲. Andreassen, B. A., & Marks, S. (Eds.). (2010). Development as a Human Right: Legal, Political and Economic Dimensions. Intersentia.
3. Committee on Economic, Social and Cultural Rights. (1990). 'General Comment No. 3: The Nature of States Parties' Obligations (UN Doc E/1991/23).
۴. Crawford, J. (2013). State Responsibility: The General Part. Cambridge University Press.
۵. De Feyter, K. (2001). Globalization and Common Responsibilities. Ashgate.
۶. De Feyter, K. (2005). Human Rights: Social Justice in the Age of the Market. Zed Books.
۷. De Feyter, K. (2013). The Right to Development and Human Rights in Development. Intersentia.
۸. Dupuy, P.-M. (1999). Reviewing the Difficulties of Codification. EJIL, 10, 379.
۹. Hunt, P. (2008). The Human Right to Development. Human Rights Law Review, 10, 23.
۱۰. International Court of Justice. (1970). Barcelona Traction (Belgium v. Spain), ICJ Rep 3.
۱۱. International Court of Justice. (1986). Nicaragua v. United States of America (Merits), ICJ Rep 14.
۱۲. International Court of Justice. (1995). East Timor (Portugal v. Australia), ICJ Rep 90.
۱۳. International Court of Justice. (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall, ICJ Rep 136.
۱۴. International Court of Justice. (2007). Application of the Genocide Convention, ICJ Rep 43.
۱۵. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966). 993 UNTS 3.
۱۶. International Law Commission. (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA).
۱۷. International Law Commission. (2011). Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (DARIO), UN Doc A/66/10.
۱۸. Kaltenborn, M. (2019). The Right to Development: Sustainable Development and the Practice of Good Governance. Springer.
۱۹. Marks, S. (2003). The Right to Development and Its Relationship with Other Human Rights. HRLJ, 24, 1.
۲۰. Marks, S. (2004). The Human Right to Development. Harvard HRJ, 17, 137.
۲۱. Nollkaemper, A., & Jacobs, D. (2013). Shared Responsibility in International Law. Michigan JIL, 34, 359.
۲۲. Reinisch, A. (2010). The Responsibility of International Organizations. ICLQ, 60, 132.

୨୩. Sengupta, A. (1999). Report of the Independent Expert on the Right to Development (UN Doc E/CN.4/1999/WG.18/2).
୨୪. Sengupta, A. (2002). Development Cooperation and the Right to Development (UN Doc E/CN.4/2002/WG.18/2).
୨୫. Sengupta, A. (2004). The Human Right to Development. *Oxford Development Studies*, 32(2), 179–203.
୨୬. SERAC & CESR v. Nigeria. (2001). AHRLR 60 (ACHPR).
୨୭. Ssenyonjo, M. (2022). *Economic, Social and Cultural Rights in International Law* (3<sup>rd</sup> ed.). Oxford University Press.
୨୮. Tams, C. (2005). *Enforcement of International Law in the Context of Erga Omnes Obligations*. Oxford University Press.
୨୯. UNDP. (2022). *Human Development Report 2022*. UNDP.
୩୦. UN General Assembly. (1974). Declaration on the Establishment of a New International Economic Order, GA Res 3201.
୩୧. UN General Assembly. (1986). Declaration on the Right to Development, 'A Res 41/128.
୩୨. UN Human Rights Council. (2020). Resolution 45/7.
୩୩. UN Human Rights Council. (2021). Report of the Intergovernmental Working Group on the Right to Development (UN Doc A/HRC/48/63).
୩୪. UN Special Rapporteur on Extreme Poverty. (2019). Report on Global Inequality (UN Doc A/74/493).
୩୫. Vienna Declaration and Programme of Action. (1993). UN Doc A/CONF.157/23.